

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۲	سئوالات.....
۲	فرضیات.....
۳	اهداف تحقیق.....
۳	سابقه تحقیق.....
۴	ضرورت تحقیق.....
۴	شیوه تحقیق.....
۴	روش نگارش تحقیق.....
۵	فصل اول - کلیات.....
۵	مبحث اول - تعاریف.....
۵	گفتار اول - تعاریف لغوی.....
۵	الف - معانی علت.....
۶	ب - معانی رافع.....
۷	ج - معانی توجیه.....
۷	د - معانی مسئولیت.....
۸	گفتار دوم - تعاریف اصطلاحی.....
۸	الف - معانی علت.....
۹	ب - معانی رافع.....
۱۰	ج - معانی توجیه.....
۱۰	د - معانی مسئولیت کیفری.....
۱۱	گفتار سوم - تعریف علل موجهه جرم و مصادیق آن.....
۱۱	۱ - حکم قانون و امر آمر قانونی.....
۱۲	۲ - اضطرار.....
۱۳	۳ - دفاع مشروع.....
۱۳	۴ - رضایت مجنی علیه.....
۱۴	تعریف عوامل رافع مسئولیت کیفری و مصادیق آن.....

۱۴	..... ۱ - صغر
۱۴	..... ۲ - جنون
۱۵	..... ۳ - مستی
۱۶	..... ۴ - خواب و بیهوشی
۱۶	..... ۵ - اشتباه
۱۷	..... مبحث دوم - تاریخچه و مبانی
۱۷	..... گفتار اول - پیشینه تاریخی علل مواجهه و عوامل رافع مسئولیت کیفری
۱۷	..... بند اول - پیشینه تاریخی علل مواجهه جرم
۲۴	..... بند دوم - پیشینه تاریخی عوامل رافع مسئولیت کیفری
۲۴	..... الف - مسئولیت کیفری و علل ارتفاع آن در دوران باستان
۲۷	..... ب - مسئولیت کیفری و رفع آن در ادیان الهی
۲۷	..... ۱ - آیین یهود
۲۷	..... ۲ - آیین مسیح
۳۰	..... ۳ - آیین اسلام
۳۱	..... ج - مسئولیت کیفری در دوران معاصر
۳۳	..... گفتار دوم - مبانی
۳۳	..... بند اول - مبانی فقهی و حقوقی علل مواجهه جرم
۳۳	..... الف - مبانی فقهی علل مواجهه جرم
۳۳	..... ۱ - آیات کتاب
۳۴	..... ۲ - احادیث و روایات
۳۴	..... الف - حدیث رفع
۳۶	..... ب - حدیثی از موسی بن جعفر (ع)
۳۶	..... ج - روایت نبوی
۳۶	..... د - حدیثی از امیرالمؤمنین (ع)
۳۶	..... ۳ - عقل
۳۷	..... بند دوم - مبانی حقوقی علل مواجهه جرم
۳۷	..... ۱ - فقدان اراده آزاد
۳۷	..... ۲ - فقدان نیت مجرمانه

۳۸	..... ۳ - عفو.....
۳۸	..... ۴ - بینش عینی.....
۳۸	..... مبانی علل رافع مسئولیت کیفری.....
۳۸	..... بند اول - مبانی فقهی علل رافع مسئولیت کیفری.....
۳۸	..... ۱ - ادله عسر و حرج.....
۳۸	..... ۲ - حکم عقل و بنای عقلا.....
۳۸	..... بند دوم - مبانی حقوقی علل رافع مسئولیت کیفری.....
۳۸	..... ۱ - فقدان عنصر روانی (عدم قصد و رضا).....
۳۹	..... ۲ - عوامل ذهنی و عینی.....
۴۰	..... فصل دوم - مقایسه عوامل موجهه و علل رافع مسئولیت کیفری و بررسی مصادیق مشتبه.....
۴۰	..... مبحث اول - مقایسه عوامل موجهه جرم و علل رافع.....
۴۰	..... گفتار اول - ماهیت عوامل موجهه و علل رافع.....
۴۳	..... جهات اشتراک عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری.....
۴۳	..... جهات افتراق عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری.....
۴۹	..... مبحث دوم - بررسی مصادیق مشتبه.....
۴۹	..... گفتار اول - اضطرار.....
۶۱	..... نتیجه بحث.....
۶۲	..... گفتار دوم - کودکی.....
۶۲	..... ۱ - زنا با محارم و زنا با نایاب.....
۶۲	..... ۲ - لواط.....
۶۳	..... ۳ - تفخیز.....
۶۳	..... ۴ - مساحقه.....
۶۳	..... ۵ - تقبیل و مضاجعه.....
۶۴	..... نتیجه بحث.....
۶۴	..... گفتار سوم - جنون.....
۶۸	..... گفتار چهارم - اشتباه.....
۶۸	..... بند اول - اشتباه حکمی.....
۷۱	..... بند دوم - اشتباه موضوعی.....

۷۲	..... ۱ - اشتباه موضوعی در جرایم عمدی
۷۲	..... ۲ - اشتباه موضوعی در جرایم غیر عمدی
۷۲	..... نتیجه بحث
۷۴	..... فصل سوم - آثار علل موجهه و عوامل رافع مسئولیت کیفری
۷۴	..... مبحث اول - اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی
۷۵	..... مبحث دوم - مسئولیت شرکاء و معاونین
۷۷	..... ۱ - تحریک
۷۸	..... ۲ - ترغیب
۷۹	..... ۳ - تهدید
۷۹	..... ۴ - تطمیع
۷۹	..... ۵ - دسیسه و فریب و نیرنگ
۸۰	..... ۶ - تهیه وسایل ارتکاب جرم
۸۱	..... ۷ - ارائه طریق ارتکاب جرم
۸۲	..... ۸ - تسهیل وقوع جرم
۸۳	..... ۹ - اخفاء
۸۴	..... مبحث سوم - آثار علل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری از لحاظ مسئولیت مدنی
۸۴	..... آثار دفاع مشروع بر روی مسئولیت جزایی و مدنی
۸۵	..... مسئولیت مدنی اجرا کننده امر آمر قانونی
۸۵	..... مسئولیت مدنی مرتکب جرم ضروری
۸۵	..... مسئولیت مدنی ناشی از رضایت مجنی علیه
۸۶	..... مسئولیت مدنی اطفال
۸۶	..... مسئولیت مدنی مجنون
۸۷	..... مسئولیت مدنی در زمینه اجبار
۸۷	..... مسئولیت مدنی در زمینه علل نسبی رافع مسئولیت
۸۷	..... مبحث چهارم: بار اثبات دعوی و آیین دادرسی
۹۱	..... نتیجه گیری
۹۲	..... منابع و مأخذ

## مقدمه

به طور کلی ارکان و عناصر متشکله جرم عبارتند از: عنصر مادی، عنصر معنوی و عنصر قانونی. وقتی این سه عنصر جمع باشند، می‌گوییم جرم واقع شده است. اما برای احراز مسئولیت یک شخص و مجازات او به خاطر ارتکاب جرم باید شرایطی نیز موجود باشد.

تحقق مسئولیت کیفری دایره مدار علم و اختیار است، یعنی زمانی می‌توان شخص را واجد مسئولیت کیفری دانست که عالم و مختار باشد. بنابراین ارتکاب اعمالی که وصف مجرمانه دارد از سوی فردی که به لحاظ داشتن شرایطی فاقد علم و اختیار نسبت به عمل ارتكابی است وی را از مجازات معاف می‌کند.

بنابراین شرط اول، اراده و اختیار انسان در موضوع است. پس اگر مرتکب دخالتی در امر حادث نداشته باشد و یا اراده او به هر نحوی از انحاء ناقص یا زائل و غیر آزاد و مقید باشد، مسئول و قابل مجازات نخواهد بود.

شرط دوم، شعور و علم می‌باشد، یعنی مرتکب آنچه را که می‌خواهد باید بشناسد، بنابراین شناختن و شعور بر واقعیت عمل ارتكابی نیز شرط احراز مسئولیت می‌باشد و در صورت وجود این شرایط، مرتکب مقصر بوده و مسئولیت خواهد داشت.

در طول رسیدگی کیفری، متهم یا وکیل او ممکن است دفاعیات مختلفی را مطرح کنند که یکی از آنها می‌تواند استناد به عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری باشد. عوامل موجهه جرم شرایطی عینی و خارجی هستند که به عمل مجرمانه مشروعیت می‌بخشند و آن را مباح می‌سازند و علل رافع مسئولیت کیفری جهاتی هستند که اراده آزاد مرتکب را سلب و یا شعور او را زائل و یا اختلالاتی در ذهن او بوجود می‌آورند و به طور کلی به شرایط شخصی و ذهنی مرتکب مربوط می‌شود.

اختلاف عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری از جهات متعددی قابل بحث است. اول اینکه در تعاریف و مبانی با هم اختلاف دارند، دوم اینکه این اختلاف در مبانی باعث اختلاف در آثار آنها می‌شود و بالاخره اینکه با توجه به اختلاف در مبانی و ماهیت آنها، در تشخیص بعضی از مصادیق آنها نیز اختلاف نظر وجود دارد که در این پایان نامه به آن می‌پردازیم.

### سئوالات

الف - اساساً علت عدم مجازات در عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری چیست؟  
ب - وجوه اشتراک و افتراق عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری کدامند؟  
ج - از لحاظ اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی، دفاع مشروع، قابلیت شرکاء و معاونین جرم و آیین دادرسی کیفری چه تفاوتی بین عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری وجود دارد؟

### فرضیات

الف - به نظر می‌رسد در عوامل موجهه جرم به دلیل زوال عنصر قانونی جرم، به موجب یک متن قانونی دیگر، وصف مجرمانه از فعل زائل می‌شود. اما در علل رافع مسئولیت کیفری، بعضی از عوامل، مثل خواب و بیهوشی، مانع تکوین عنصر روانی یا معنوی جرم می‌شوند و بعضی دیگر مثل مستی، با تأثیرگذاری نسبی بر عنصر روانی، جرم را از عمد به غیر عمد تبدیل کرده، باعث تخفیف مسئولیت می‌شوند.

ب - اصلی ترین وجه اشتراک این عوامل، جلوگیری از مجازات متهم است ولی در عین حال از جهت قابلیت اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی، مسئولیت مدنی متهم، دفاع در برابر متهم، قابلیت مجازات شرکاء و معاونین جرم، بار اثبات دعوا و آیین دادرسی تفاوتها و اختلافاتی با هم دارند.

ج - با توجه به انتفاء احتمال ارتکاب مجدد جرم و خطرناک نبودن مجرم در عوامل موجهه جرم، اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی در عوامل موجهه جرم قابل اعمال نیست ولی در رابطه با

بعضی مصادیق علل رافع مثل مجانین و اشخاص مست به نظر می‌رسد که اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی قابل اعمال باشد.

د - به نظر می‌رسد دفاع در مقابل علل رافع مسئولیت کیفری مشروع است ولی در مواردی که رفتار فاعل از شرایط موجهه جرم برخوردار است، عمل به ظاهر مجرمانه، به امر یا اجازه قانونگذار صورت می‌گیرد و نمی‌توان در مقابل چنین عملی مقاومت کرد و آن را دفاع مشروع نامید.

ر - جرم نبودن فعل مباشر اصلی در عوامل موجهه جرم، افعال شرکاء و معاونین وی را نیز از وصف مجرمانه خارج می‌کند، چرا که در اینجا علت عدم مسئولیت و سقوط کیفر، جنبه عینی دارد و مختص مباشر اصلی نیست. ولی در عوامل رافع مسئولیت، علت عدم مسئولیت مباشر اصلی، جنبه شخصی داشته و به خود او اختصاص دارد و شرکاء و معاونین جرم او، مستحق کیفر اعمال ارتكابی خود هستند.

ز - در عوامل موجهه جرم، از آنجا که عمل ارتكابی، جرم محسوب نمی‌شود، اگر پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد، قرار منع پیگرد صادر می‌شود و اگر در مرحله رسیدگی و صدور حکم باشد، حکم به برائت متهم صادر خواهد شد؛ اما در علل رافع مسئولیت کیفری بسته به علت معافیت، مثلاً علت معافیت مستی باشد یا خواب و بیهوشی یا صغر، تصمیم قضایی خاصی اتخاذ می‌شود.

### اهداف تحقیق

- تعیین دقیق مصادیق عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری
- تبیین جهات افتراق عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری
- استفاده دانش پژوهان دانشگاه، قوه قضائیه و دیگر طالبان علم

### سابقه تحقیق

در مورد بحث جهات افتراق عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته و غالباً در قالب کتب راجع به حقوق جزای عمومی که توسط اساتید به نگارش در آمده به طور جسته و گریخته مورد بحث قرار گرفته است. اما مزیتی که رساله حاضر نسبت به نظائرش دارد این است که به جزئی ترین مسائل مربوط به عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری پرداخته است.

## ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت آشنایی با نظام کیفری ایران و جهات تخفیف و توجیه جرم با توجه به نقش و کارکرد اساسی و مهم دادگستری در جامعه از یکسو و با مد نظر قراردادن تغییرات و پیشرفتهای حاصل شده در نظامهای قضایی کشورهای متمدن و ضرورت ایجاد تغییرات در تشکیلات و سیستم دادرسی از سوی دیگر، مشخص می‌شود، تا بتوان در پرتو این تحقیقات و مناظرات و مباحث مبتنی بر اصول حقوقی و موازین فقهی و حقوقی به الگوی کارآمدی دست یابیم.

## شیوه تحقیق

در این پایان نامه، شیوه تحقیق و جمع آوری اطلاعات مبتنی بر روش کتاب‌ورزی و کتابخانه‌ای می‌باشد که پس از جمع آوری معلومات و اطلاعات لازم به تحلیل و بررسی داده‌ها و اطلاعات پرداخته‌ایم.

## روش نگارش تحقیق

با استفاده از روش توصیفی، در فصل اول پس از بحث درباره مسئولیت کیفری و حدود آن به بیان ماهیت عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری می‌پردازیم - در فصل دوم مصادیق مشتبه بین عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و در فصل سوم نیز آثار عوامل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری را مورد بحث قرار می‌دهیم.



## فصل اول: کلیات

### مبحث اول: تعاریف

قطعاً معنی اصطلاحی مفاهیم مورد بحث از ریشه‌های لغوی آنها دور نیست از این رو بررسی دقیق ریشه‌های لغوی کلمات علت، رافع، توجیه و مسئولیت در زبانهای فارسی و عربی ضروری به نظر می‌رسد. در مراجعه به فرهنگ لغات مختلف اعم از فارسی و عربی تعاریف زیر استنباط گردید که به تفکیک در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### گفتار اول: تعاریف لغوی

#### الف - معانی علت

در لغت نامه دهخدا آمده است: بیماری، آنچه بدان بهانه کنند. در فرهنگ فارسی عمید: بیماری، ناخوشی، رنج، عذر، بهانه و سبب آمده است. در فرهنگ ابجدی عربی - فارسی اینگونه آمده است: بیماری همیشگی، کاری که وقت صاحبش را بگیرد، هر چه که وجود آن بستگی به چیزی داشته باشد، - فی العَرُوض: و در علم عروض تغییراتی است که در کلمات و عبارات وجود می‌آید مانند حذف (لَنْ) از (مَفَاعِلُنْ) که می‌شود (مفاعلی)؛ انگیزه آن چیز؛ انگیزه و نتیجه؛ اصل انگیزه و باعث در چیزی؛ حروف عله که واو و یاء و الف منقلبه است؛ «العَلات»؛ چگونگیها و حالات مختلف<sup>۱</sup>.

در فرهنگ عربی - فارسی المنجدالطلاب در معنای علت گفته شده است: «العله: دلیل،

آنچه به آن استدلال می‌شود».<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>. رضا مهیار، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، چاپ سوم، تهران، نشر سوم، ۱۳۷۹، ذیل واژه عله.  
<sup>۲</sup>. محمد بندر ریگی، فرهنگ عربی - فارسی، چاپ اول، تهران، نشر مقداد، ۱۳۷۵، ذیل واژه عله.

## ب - معانی رافع

در لغت نامه دهخدا بردارنده و آزاد شده معنی شده است و در فرهنگ فارسی عمید بردارنده، بلند کننده، بالا برنده و تقدیم کننده شکایت یا عریضه برای دادخواهی معنا شده است. در مجمع البحرین آمده است: «رفع در اجسام مادی، حرکت و انتقال آنهاست و در معنی حمل می‌شود بر آنچه که مقتضای آن را داراست و از آنجمله می‌توان به این اشاره نمود که:»  
تکلیف از سه قشر رفع شده است: کودک تا وقتی که به بلوغ برسد، انسان خواب تا وقتی که بیدار شود و مجنون (ادواری) تا وقتی که به افاقه برسد»<sup>۱</sup>.

در قاموس قرآن چنین آمده است:

(رفیع): بالا برنده مثل رافع «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ»<sup>۲</sup>. بالا برنده درجه‌ها و صاحب عرش است.<sup>۳</sup> (که او دارای مراتب رفیع و صاحب عرش عظیم است).

در مفردات آمده است که رفع در مواضع و مواقع مختلف به معانی گوناگون به کار می‌رود مثلاً در مورد اجسام به معنی بالا بردن از مقر و جایگاه آن است مثل قول خداوند که می‌فرماید: «خداوند کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که تو ببینی بر افراشته است.» و گاهی در مورد ساختمان به کار می‌رود وقتی بالا برود و همینطور ممکن است در مورد بیشتر شدن درجه و شرافت باشد.<sup>۴</sup>

۱. فخر الدین الطریحی، مجمع البحرین، چاپ اول، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۳۸، «و الرفع فی الأجسام حقیقه فی الحركة و الانتقال، و فی المعانی محمول علی ما یقتضیه المقام. و منه "رفع القلم عن ثلاثه: عن الصبی حتی یتبلغ، و النائم حتی یتستقیظ و المجنون حتی یفیک"»

۲. سوره غافر، آیه ۱۵.

۳. سید علی اکبر قرشی بنائی، قاموس قرآن، چاپ اول، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۱۰.

۴. الرفعُ یقال تارة فی الأجسام الموضوعه إذا أعلیتها عن مقرها، نحو: وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ (سوره بقره، آیه ۹۳). قال تعالی: اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (سوره رعد، آیه ۲)، و تارة فی البناء إذا طوّلته، نحو قوله: وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ (سوره بقره، آیه ۱۲۷)، و تارة فی الذکر إذا نوهته نحو قوله: وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (سوره شرح، آیه ۴)، و تارة فی المنزلة إذا شرفتها، نحو قوله: وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ (سوره زخرف، آیه ۳۲)، نَرَفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ (سوره یوسف، آیه ۷۶)، رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ (سوره غافر، آیه ۱۵)، و قوله تعالی: بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ (سوره نساء، آیه ۱۵۸)، یحتمل رفعه إلى السماء، و رفعه من حيث التّشريف. و قال تعالی: خَافِضَةً رَافِعَةً (سوره واقعه، آیه ۳)، و قوله: وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رَفَعْتَ (سوره غاشیه، آیه ۱۸)، فإشارة إلى المعنيتين: إلى إعلاء مكانه، و إلى ما خصّ به من الفضيلة و شرف المنزلة. و قوله عز و جل: وَ فُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ (سوره واقعه، آیه ۳۴)، أی: شریفه، و قوله: فِی بُيُوتٍ أذنَ اللَّهُ لِمَن تَرَفَعَ (سوره نور، آیه ۳۶)، أی: تشرف، و ذلك نحو قوله: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ (سوره احزاب، آیه ۳۳)، و یقال: رَفَعَ البعيرُ فی سيره، و رَفَعْتُهُ أَنَا، و مَرْفُوعُ السّير: شديد، و رَفَعَ فلان علی فلان كذا: أذاع خبر ما احتجبه، و الرِّفَاعَةُ: ما ترفع به المرأةُ عجیزتها، نحو: المرفد. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، کتابفروشی مرتضوی، پاییز ۱۳۶۲، ص ۳۶۱).

در فرهنگ عربی المنجد الطلاب آمده است: «رفع - رفع - رفع (رفعا) الشیء: آن چیز را بلند کرد، بالا برد، (رفع فلانا علی صاحبه فی المجلس. فلانی را در مجلس بر رفیقش مقدم داشت. (رفع) الكلمه: کلمه را مرفوع کرد. (رفع) الشیء آن چیز را برداشت. (رفع) الشیء فی خزانه: آن چیز را در خزانه خود پنهان کرد.<sup>۱</sup>

### ج - معانی توجیه

در فرهنگ ابجدی عربی - فارسی<sup>۲</sup> آمده است:

إِجَاهًا [وجه] الرجل: آن مرد را صاحب جاه و عزت کرد، او را با جاه و عزت یافت، برای او چهره‌ای خوب ساخت، او را برگردانید.

تَوْجِيهًا [وجه] هُ الْأَمِيرُ: امیر وی را بزرگداشت و برتری داد، - الْقَوْمُ الطَّرِيقُ: از آن راه رفتند و نشان آنرا آشکار ساختند، - الْمَطَرُ الْأَرْضَ: باران روی زمین را خراشید و در آن اثر گذاشت، باران زمین را هموار کرد، - الْبَيْتُ: خانه را روی به قبله ساخت، - لِعَبْدِهِ: به برده خود گفت تو پس از مرگ من آزادی، - الشَّيْءُ: آن چیز را به سوئی برگردانید، - النَّظَرَ إِلَى كَذَا: نگاه خود را به سوئی افکند، - الی فلان: بسوی او رفت، هُ الی فلان: وی را بسوی دیگری روانه کرد، - إِلَيْهِ تَهْمَةً: او را متهم کرد، - تِ الرِّيحِ الْحَصَى: باد سنگریزه‌ها را بر روی زمین غلطانید.<sup>۳</sup>

در فرهنگ المنجد الطلاب آمده است:

(وَجَّهَ) الی فلان. نزد فلانی رفت (وَجَّهَهُ) الی فلان: او را نزد فلانی فرستاد. (وَجَّهَهُ) الامیر: امیر به او مقام و منزلت و ارزش داد. (وَجَّهَهُ) الشیء: به چیزی جهت داد، چیزی را توجیه کرد و به طرفی متوجهش نمود. (وَجَّهَهُ) القوم الطريق: قوم در راه رفت و آمد کردند و آن را خوب مشخص کردند به طوریکه راه نزد آنان معلوم شد.<sup>۴</sup>

### د - معانی مسئولیت

مسئول اسم مفعول از سأل، یسأل بر وزن منع، یمنع و سئوال مصدر آن می‌باشد.<sup>۵</sup> در فرهنگ لغات، مسئولیت به معنی قابل بازخواست نمودن انسان آمده و غالباً به مفهوم تکلیف و

<sup>۱</sup> . محمد بندر ریگی، المنجد الطلاب، ذیل واژه رفع.

<sup>۲</sup> . عبدالمحمد ایرانی طرفی، فرهنگ ابجدی عربی، فارسی، چاپ اول، تهران، نشر طرفه، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳.

<sup>۳</sup> . همان ص ۹۹۷.

<sup>۴</sup> . محمد بندر ریگی، المنجد الطلاب، ذیل واژه توجیه.

<sup>۵</sup> . در قرآن و احادیث نیز این کلمه استعمال شده است: آیه ۳۶ و ۳۴ از سوره اسراء - آیه ۱۵ از سوره احزاب - آیه ۴ از سوره صافات - آیه اول از سوره نساء - حدیث نبوی کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته.

وظیفه و آنچه که انسان عهده دار آن باشد، تعریف شده است. چنانکه در فرهنگ نوین عربی به فارسی مسئولیت به معنی قابل بازخواست و مسئول به معنی قابل جواب آمده است.<sup>۱</sup> بعضی دیگر از لغویین، یکی از معانی مسئول را کسی دانسته‌اند که فریضه‌ای بر ذمه دارد به طوری که اگر عمل نکند از او بازخواست می‌شود و مسئولیت را به معنای مسئول بودن نسبت به انجام دادن امری آورده‌اند.<sup>۲</sup> مرحوم دهخدا، معنای مسئولیت داشتن را متعهد و موظف بودن و معنای مسئولیت را ضمان دانسته است.<sup>۳</sup>

## گفتار دوم: تعاریف اصطلاحی

### الف - معانی علت

علت، موجودی است که نحوه هستی ماهیت بر آن توقف دارد. بنابراین، علت چیزی است که به گونه‌ای در تحقق شیء دیگر مدخلیت دارد، خواه شرط حقیقی باشد و یا از انواع علت ناقصه باشد. علت به این معنا یک مفهوم عام و فراگیر است که همه امور یاد شده را در بر می‌گیرد. اما باید در نظر داشت که علت دارای دو معنای دیگری نیز هست که هر دو اخص از معنای ذکر شده است:

۱- گاهی علت به معنای موجودی برای تحقق یافتن وجود دیگر است بنابراین اصطلاح، تنها وقتی می‌توانیم بگوییم «الف» علت است برای «ب» که همانگونه که از عدم «الف» عدم «ب» لازم می‌آید از وجود «الف» نیز وجود «ب» لازم آید.

۲ - گاهی نیز واژه «علت» اطلاق می‌گردد و منظور از آن علت فاعلی می‌باشد. یعنی آنچه واقعیت و هویت معلول را افاده می‌کند. مانند آنجا که گفته شده، میان علت و معلول سنخیت برقرار است؛ و یا معلول عین ربط به علت است، و یا وجود علت شدیدتر و قوی‌تر از وجود معلول است؛ در همه این موارد مقصود از علت، علت فاعلی است؛ یعنی آنچه حقیقت و واقعیت معلول را جعل و افاضه می‌کند.

<sup>۱</sup> . سید مصطفی طباطبایی، فرهنگ نوین عربی- فارسی، چاپ سوم، تهران، چاپخانه اسلامیه، ۱۳۵۵، ص ۲۸۶.

<sup>۲</sup> . محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۷۷، ش ۴.

<sup>۳</sup> . علی اکبر دهخدا، لغت نامه، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، جلد دوازدهم.

تقسیم مشهور علت به چهار قسم به ارسطو می‌رسد؛ ایشان علت را به مادی، صوری، فاعلی و غایی تقسیم نموده‌اند و مثال تختخواب چوبی را برای تبیین آن آورده‌اند. چوب علت مادی، شکل تختخواب علت صوری، نجار علت فاعلی و بهره‌گیری عملی از تختخواب علت غائی آن محسوب می‌شود.

ارسطو می‌گوید: "علت به چیزی گفته می‌شود که در اثر حضور آن خبر به وجود می‌آید؛ مانند برنز برای تندیس و نقره برای پیاله و اجناسی از این گونه به گونه‌ای دیگر علت به صورت و الگو گفته می‌شود و این مفهومی است دال بر ماهیت. همچنین به گونه‌ای دیگر به آن چیزی علت گفته می‌شود که نخستین آغاز یا مبداء حرکت یا سکون از آنجاست مانند مباشر که علت عمل است و پدر که علت فرزند است."<sup>۱</sup> در بحث عوامل رافع مسئولیت کیفری و علل موجهه جرم، منظور از علت حدوث شیئی است که باعث رفع مجازات از فاعل جرم می‌شود.

## ب - معانی رافع

ممکن است منظور از رافع، آن چیزی باشد که در مقابل مقتضی است؛ که از آن به سبب تعبیر می‌گردد. سبب جزئی از علت تامه است چرا که علت در اصطلاح فلاسفه از سه چیز تشکیل شده است: سبب، شرط و عدم مانع.

سبب، همان مؤثر را گویند و شرط عبارت است از آنچه که دخالتی در فعلیت تأثیر دارد هر چند که منشأ اثر نباشد و مزاحم از تأثیر مؤثر را مانع گویند. برای مثال آتش سبب سوزاندن، نزدیک شدن شیء به آتش شرط و رطوبت، مانع از سوزاندن آتش می‌باشد.

فقها بحث از رافع را در ضمن مسائل مربوط به مقتضی و رافع در مبحث الفاظ اصول فقه بحث می‌کنند؛ با این توضیح که هر موجود حادث در عالم به حسب طبیعتش دارای قابلیت و استعداد برای بقاء در یک سلسله زمانی است، به طوری که اگر عارضه‌ای بر آن وارد نشود تا آن زمانی که قابلیت برای بقاء دارد باقی می‌ماند و هیچ اشکالی نیست که موجودات در مقدار قابلیت و استعداد مختلف باشند، همان‌طور

<sup>۱</sup> . ارسطو، متافیزیک، ترجمه دکتر شرف، چاپ دوم، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۶، ص ۱۲۹.

که بعضی از آنها این قابلیت را دارند که صد سال زنده بمانند و در مقابل بعضی هستند که تنها ساعتی زندگی می‌کنند و بعد می‌میرند. ضمناً این قابلیت بقاء تنها برای ذوات نفوس نیست بلکه همه موضوعات خارجی نظیر میوه‌ها و دانه‌ها هم همین طورند. همچنین ابنیه و شهرها هم این گونه‌اند، بنابراین قابلیت بقاء بنایی که در ساحل دریا ساخته می‌شود کمتر از بنایی است که در جای دیگر واقع شده است.

برای هر حکم شرعی هم مدت و غایتی متصور است که آن حکم در آن زمان و غایت باقی می‌ماند البته با قطع نظر از لواحق و عوارضی که به دنبال دارد. البته مقدار قابلیت بقاء احکام در زمان به حسب غایت شرعی است که شارع مقدس قرار داده و از اینجا می‌شود فرق تشخیص مقدار استعداد بقاء موضوعات خارجی و احکام شرعی را فهمید چرا که تشخیص مقدار استعداد بقاء در موضوعات خارجی با امتحان و تجربه و مانند آن است ولی در احکام شرعی از قبل شارع است.

### ج - معانی توجیه

توجیه یعنی مطلبی را بیان کرده و وجه درست و منطقی برای او تحریر کنیم و به شکلی او را از اشکالات وارده نجات بخشیم. توجیه گاهی موجه و قابل دفاع بوده و شواهد و ادله تأییدکننده‌ای دارد که کار درستی است. و گاهی تنها صورت سازی و تأویل بردن‌های نابجا و عوضی کردن الفاظ و باقی گذاشتن معنا است که ناپسند و نوعی مغلطه و به اصطلاح توجیه ناموجه است.<sup>۱</sup>

### د - معانی مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری، یعنی توانایی (قابلیت) انتساب فعل یا ترک فعل قابل مجازات یا اقدامات تأمینی به کسانی که توانایی تحمل بار مجازات یا اقدامات تأمینی را داشته باشند.<sup>۲</sup> معنای مسئولیت کیفری در شرع اسلام آن است که انسان نتایج آن دسته از اعمال ممنوعه‌ای را که با اختیار و آگاهی از محتوا و نتایج‌شان ارتکاب نموده تحمل کند. بنابراین چنانکه کسی که فاقد اراده است مثل مکره یا شخصی که در حال اغماء مرتکب عمل ممنوع

<sup>۱</sup> / . www. Hawzah.net پرسش و پاسخ

<sup>۲</sup> . رضا نوربها، تقریرات درس حقوق کیفری (کارشناسی ارشد) ص ۱۰.

(حرام) شده باشد از نظر کیفری مسئول نخواهد بود و کسیکه در جریان عمل منع شده اراده داشته ولی به ماهیت آن فعل آگاهی نداشته باشد مثل طفل و مجنون نیز از نظر کیفری مسئول قلمداد نخواهد شد. پس مسئولیت کیفری در فقه مبتنی بر سه اصل است: اول آنکه: انسان عمل ممنوعه آن را به انجام رسانده باشد، دوم اینکه: عمل مرتکب توأم با اختیار باشد و سوم آنکه: فاعل به ماهیت عمل ارتكابی خویش آگاهی داشته باشد وقتی این سه اصل جمع شوند مسئولیت جزایی پدید خواهد آمد و تا هنگامی که یکی از آنها مفقود باشد مسئولیت جزایی نیز وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر، التزام شخص به تحمل کیفر جرم ارتكابی را مسئولیت کیفری می گویند.<sup>۲</sup> از دیدگاه حقوق جزا، ارتكاب جرم یا هر نوع تخطی از قانون و مقررات جزایی به تنهایی موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای قابل سرزنش و مجازات دانستن مرتکب جرم، لازم است علاوه بر اراده مرتکب در رفتار مجرمانه و قابلیت انتساب جرم به شخص مسئول، وی عمل مجرمانه را با سوءنیت یا خطا انجام داده باشد.<sup>۳</sup> البته برخی از جرائم مانند صدور چک پرداخت نشدنی وجود دارد که در تحقق آنها وجود عنصر روانی ضرورت ندارد و به عنوان جرائم مادی صرف نامید می شود.

## گفتار سوم: تعریف علل موجهه جرم و مصادیق آن

علل موجهه جرم عبارتست از عواملی که موجب می شوند تا قانونگذار وصف مجرمانه را از عمل مجرمانه برداشته و در واقع به آن به مشروعیت بخشد. گروهی از نویسندگان حقوق جزا این دسته علل را علل مشروعیت جرم نامیده اند.<sup>۴</sup> که عبارتند از:

### ۱ - حکم قانون و امر قانونی

اصولاً اجرای حکم قانون به خودی خود از مأموری که به ادای وظیفه می پردازد و در نتیجه آن مرتکب عملی می شود که جنبه مجرمانه دارد رفع تقصیر نمی کند. ولی هنگامی که

<sup>۱</sup> . عبدالقادر، عوده، التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۱، ص ۳۹۲.

<sup>۲</sup> . محمد صالح ولیدی، مسئولیت کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۲۵.

<sup>۳</sup> . عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسیط فی شرح القانون الجدید (مصادر الالتزام)، چاپ دوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا، جلد اول، ص ۷۴۵-۷۴۴.

<sup>۴</sup> . محمد اسماعیل افراسیابی؛ حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۰۹.

اعمال مذکور به وسیله مأموری ارتکاب یافته که مستقیماً مخاطب حکم قانون قرار گرفته و به تحصیل امر مقام قانونی نیاز نداشته است، حکم قانون به تنهایی سبب اباحه عمل به شمار می‌رود. برای مثال، بازپرسی که حکم جلب متهم را صادر می‌کند، خود می‌تواند شخصاً متهم را جلب و یا بازداشت کند بدون آنکه به جرم بازداشت غیر قانونی متهم گردد.

امر آمر نیز در صورتی که واجد شرایطی که ذیلاً بدان اشاره می‌شود سبب مشروعیت فعل مأمور و توجیه آن می‌گردد:

الف - امر در شمار اموری باشد که قانوناً در صلاحیت آمر باشد.

ب - مأمور بر حسب قانون موظف به اجرای دستور باشد.

ج - امر آمر باید در شکل مقرر قانونی صادر شده باشد.<sup>۱</sup>

## ۲- اضطرار

اضطرار عبارت است از موقعیت شخصی که به واسطه بروز خطر ناشی از پدیده‌های طبیعی و حوادث بیرون از وجود انسان، برای حفظ حقوق یا اموال در معرض خطر خود یا دیگری ناگزیر از ارتکاب جرم می‌گردد.<sup>۲</sup>

حالت اضطرار ممکن است به صورتهای ذیل متجلی شود:

- اضطرار برای حفظ جان؛ مانند شخصی که برای سد جوع مبادرت به سرقت نان از نانوایی کند.

- شخصی برای نجات جان دیگران مبادرت به تخریب مال دیگری می‌کند. مانند آتش

نشانی که برای رسیدن به کانون آتش مجبور است پنجره همسایه را تخریب نماید.

- در صورتی که دو ارزش مساوی باشند؛ مانند اینکه برای جلوگیری از تخریب دیوار،

شخص ناچار شود به تخریب بولدوزری که برای خراب کردن آن آمده است، دست بزند.<sup>۳</sup>

در مورد اضطرار و اینکه از عوامل موجهه جرم است یا علل رافع مسئولیت کیفری در فصل

بعد به تفصیل سخن گفته ایم.

<sup>۱</sup> . محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان ۱۳۸۵، ص ۱۸۳ تا ۱۸۷.

<sup>۲</sup> . ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۱۳۹.

<sup>۳</sup> . محمد علی اخوت، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، انتشارات صابریون، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸.



### ۳ - دفاع مشروع

دفاع مشروع یا دفاع قانونی عبارتست از توانایی بر دفع تجاوز قریب الوقوع و نا حقی که نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن خود یا دیگری را به خطر انداخته است. دفاع مشروع قدرتی بازدارنده با هدف جلوگیری از خطرهایی است که رهایی از آن جز با ارتکاب جرم ممکن نیست. ولی دفع و جلوگیری از خطرهای مذکور هیچ گاه نباید با انگیزه انتقام جویی و آزار و اذیت توأم باشد. از اینرو اعمال دفاعی از یک سو به شرط ضرورت و از سوی دیگر به شرط تناسب مقید شده است.

دفاع مشروع از جمله جهاتی است که قانونگذار فعل ضروری را صراحتاً اجازه داده و وصف مجرمانه را از آن زدوده است. به همین دلیل، مدافع مشروع در چنین حالتی نه تنها مقصر نیست، بلکه ضامن خسارات یا صدمات وارد به دیگری نیز محسوب نمی شود. ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۱ مقرر می دارد: « هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود:

- دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد.

- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد.

- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع

تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.<sup>۱</sup>

### ۴ - رضایت مجنی علیه

رضایت مجنی علیه در دو حال ممکن است بر ماهیت جرم تأثیر ببخشد؛ گاه این رضایت یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم را زائل می کند. در این حال؛ جرم علی‌الاصول تحقق نمی‌یابد و اساساً موردی برای توجیه عمل مجرمانه باقی نمی‌ماند. گاه این رضایت شرط لازم اباحه ای ناشی از اجازه عرف و قانون است.

<sup>۱</sup> . محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۱۹۸.

در تمامی مواردی که رضایت مجنی علیه شرط عدم تحقق جرم است و تقصیری بر عهده مرتکب ثابت نیست، رضایت او باید جامع شروط زیر باشد:

نخست: رضایت مجنی علیه باید پیش از ارتکاب جرم یا مقارن آن ابراز شود. رضایت مجنی علیه پس از ارتکاب جرم از مرتکب رفع تقصیر نمی کند و تنها جنبه گذشت دارد.

دوم: رضایت مجنی علیه باید عاری از عیب و آزادانه ابراز شود. رضایتی که با فریب، اکراه و زور معیوب شده باشد، هیچ گونه اثری بر آن مترتب نخواهد بود.

سوم: رضایت دهنده باید عاقل و بالغ و دارای اهلیت باشد. بنابراین رضایت مجنون، صغیر و مست فاقد اثر خواهد بود.<sup>۱</sup>

### تعریف عوامل رافع مسئولیت کیفری و مصادیق آن

عواملی که با حفظ وصف مجرمانه و تحقق کامل جرم به جهت وجود شرایط خاص در مرتکب مثل جنون و صغر، مسئولیت کیفری را از او بر می دارند، علل رافع مسئولیت می نامند که عبارتند از:

**۱ - صغر:** تمیز نوعی شناخت است و اختیار همان اراده آگاه می باشد که هیچ یک از آن دو از هنگام تولد در وجود آدمی ظهور ندارند بلکه به مرور زمان همراه با رشد جسمی، توانایی های وی به دلیل همزیستی با هم نوع و کسب تجربه و علم، رشد می نماید. این امر از بدیهیات است و لذا قانونی را نمی توان یافت که ضمن بیان شرایط مسئولیت، سن لازم را متعرض نشده باشند؛ این سن در حقوق ایران برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است.

**۲ - جنون:** جنون یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است که سبب ضایع شدن عقل و فقدان رشد می گردد و علاوه بر اختلال قوای عقلی، اختلال اراده را نیز به دنبال دارد و در نتیجه اختیار را نیز از بین می برد؛ از اینرو ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است» مقصود قانون از جنون تمام حالاتی است که قوای عقلی از آنها متأثر گردیده و در نتیجه قدرت اراده و تشخیص را به نحوی که در افراد عادی وجود دارد از بین ببرد.

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۸۸.

۳ - مستی: گاهی بر اثر استعمال مواد مخدر یا سکر آور، رشد انسان از میان رفته و اراده وی ضعیف شده و در همان حالت مرتکب عمل مجرمانه ای می گردد؛ از اینرو مجازات چنین شخصی که فاقد شرایط مسئولیت کیفری ( تمیز و اختیار ) می باشد، سوال برانگیز خواهد بود؛ لذا قانونگذار در ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی می گوید: «اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده نیز محکوم می گردد».

به طور کلی می توان ماده ۵۳ قانون مزبور را به دو صورت ذیل تفسیر و استنباط نمود:

الف - شرب خمر به قصد ارتکاب جرم چنانچه شخص شرب خمر بنوشد و قصد وی از نوشیدن، ارتکاب جرم باشد، در این نوع مستی شخص یا ارتکاب کنندگان جرم با اطلاع از تأثیر نامطلوب مشروب و عواقبی که آن در مزاج ایجاد خواهد کرد، تعمداً استعمال مشروب نمایند و نیت این باشد که مرتکب جرم شوند در این صورت نه تنها مستی عامل رافع مسئولیت کیفری نخواهد بود. بلکه از عوامل مشدد یا از کیفیات تشدید مجازات خواهد بود. و این همان نظری است که در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی گنجانده شده است. این سیاست کیفری قانونگذار که متأثر از فقه است؛ از هر حیث قابل دفاع و موجه به نظر می رسد.<sup>۱</sup>

ب: استعمال شرب خمر بدون قصد ارتکاب جرم بنابر آنچه عنوان شد و مستفاد از ماده ۵۳ قانون مزبور و با بررسی حالات مربوط به استعمال کنندگان مواد الکلی ملاحظه می شود که گاهی اوقات مستی اتفاقی است و استعمال کنندگان الکل به هیچ وجه از کیفیت تأثیر مشروبات الکلی در مزاج خود اطلاع ندارند، و یا با علم به تالی فاسد و عواقب ناشی از استعمال مشروبات، شخص ممکن است در حال اضطرار، اجبار، اکراه یا عدم آگاهی از نوع مواد مرتکب استعمال مشروبات الکل شده باشد.

پس طبق این ماده که صریحاً متذکر نشده از روح و مفهوم مخالف آن چنین برداشت می شود که چنانچه ثابت نشود که استعمال مواد الکلی به منظور ارتکاب جرم بوده ولی جرم واقع شده، مجرم مجازات نخواهد شد.<sup>۲</sup>

۱. محسن خدائی، " بررسی مستی و خواب و بیهوشی بعنوان علل رافع مسئولیت کیفری"، مجله دادرسی، سال اول، ص ۴۳.

۲. محمد علی اخوت، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، انتشارات صابریون، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.

## ۴ - خواب و بیهوشی

قانونگذار در تدوین قوانین جزایی و در مبحث علل رافع مسئولیت کیفری که یکی از موضوعات فرعی حقوق جزای عمومی است و اغلب تحت عنوان حدود مسئولیت جزائی ذکر می‌شود؛ صراحتاً در این دو موضوع سخنی به میان نیاورده است، اما آیا عدم عنوان نمودن این موضوعات در قانون بمنزله حذف آنها از لیست علل رافع مسئولیت می‌باشد؟ جواب قطعاً منفی است. چرا که این مسأله از قواعد مسلم حقوق جزا است و مسلماً قابلیت انتساب در اینگونه موارد مشکل است چرا که فرد در حالت خواب و بیهوشی قوه تمیز خوب و بد را ندارد و به فرض اینکه این توانایی هم در وی باقی باشد، قادر به کنترل رفتار خود نیست و اراده اش مختل می‌باشد.

قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۲۲۵ ضمن ذکر شرایط قصاص در فصل چهارم از باب اول، چنین آورده است: «هر گاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد، قصاص نشده و فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد» و مورد بعدی در کتاب چهارم باب پنجم مبحث موجبات ضمان در ماده ۳۲۳ مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود، جنایت او بمنزله خطای محض بوده و عاقله او عهده دار می‌باشد».<sup>۱</sup>

## ۵ - اشتباه

در تعریف اشتباه آورده اند: «اشتباه عبارت است از تصور خلاف واقع از یک شیء مادی یا معنوی» تصور یک حالت ذهنی است که می‌تواند مطابق با واقع باشد یا نباشد؛ در صورت اخیر، اشتباه ایجاد می‌شود. باید توجه داشت که صرف تصور خلاف واقع بدون اینکه در عالم خارج بصورت رفتار، گفتار یا ترک رفتار نمود داشته باشد نمی‌تواند از نظر حقوقی منشاء اثر باشد. در مورد اینکه آیا اشتباه از مصادیق عوامل موجهه جرم است یا از علل رافع مسئولیت کیفری است؛ به تفصیل سخن گفته ایم.

<sup>۱</sup> . محسن خدائی، منبع پیشین، ص ۴۵.